

نگاه

دعایی کیمیایی در وجود خود داشت



مجید انصاری

عضو مجمع تشخیص مصلحت

برخی رسانه‌هایی را با ساختمان‌های بزرگ، خودرو، امکانات و ابزار پیشرفته در نجف راه انداخته بودند اما حجت‌الاسلام دعایی یک نفر یک رسانه برای پیام رسانی انقلاب اسلامی و اثر گذار تر از آنان بود.او حتی حلقه وصل مجاهدان با بیت امام خمینی(ره) بود، حجت‌الاسلام دعایی پای ثابت قضیه پاسخگویی به هر انتقاد خطرناکی از زمان امام(ره) و مبتکر عمل بود. ایشان در آستانه انقلاب اسلامی با امام خمینی(ره) به پاریس مهاجرت کرد و در منصب‌هایی قرار گرفت و ۱۰۰ درصد در این مسیر موفق بود. چهار دوره در مجلس شورای اسلامی بود که دعایی در ۶ دوره ابتدایی نماینده مردم تهران در مجلس بود. مطلقاً از حقوق مجلس شورای اسلامی و از خودروی نمایندگان و دیگر امکانات استفاده نکرد اما به عنوان سربازی قداکار در معیت مقام معظم رهبری و آیت‌... هاشمی رفسنجانی یک فرد تمام عیار آماده خدمت بود. حجت‌الاسلام دعایی نشان داد که با حضور در مسئولیت‌های عالی، سلوک او تغییری نمی‌کند و اگر تغییری در او بود، در جهت تواضع و مثبت بود. ایشان ۴۱ سال نماینده امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری، در موسسه بزرگ و روزنامه وزین اطلاعات بود و پرنسپل این روزنامه باید بگویند که او چگونه مدیریت بود و دعایی نشان داد می‌توان مدیری بدون دربان بود، حتی دفترداری نداشت و درب دفتر او همیشه باز بود و با تک تک کارکنان موسسه اطلاعات ارتباط فرزند پدری و برادرانه داشت. حجت‌الاسلام دعایی به مشکلات تمامی پرنسپل موسسه اطلاعات رسیدگی می‌کرد و حتی برای همه پرنسپل خانه تهیه کرد و با تمام وجود در خدمت مجموعه‌اش بود لذا پرنسپل اطلاعات نیز با عشق فعالیت می‌کردند و دعایی با صعه صدر، تدبیر و مدیریت امور را پیش می‌برد. اگر که دعایی نبود، برخی آثار نخبگان در تاریخ کشور منتشر نمی‌شد زیرا مربوط به افرادی بود که در گوشه گمنامی افتاده بودند. دعایی در فرهنگ و اندیشه همچون گوهر یاب بود که شبانه روز در جهت شناسایی نخبگان کشور فعالیت می‌کرد، او با انتشار آثار، اطلاعات و علوم را از زیر خوراه‌ها خاطر فراموش شده، تجلی و برجسته می‌کرد. دعایی عالی‌ترین اساتید و برجسته‌ترین هنرمندان کشور از موسیقی و هنر را با فراخوانی با عشق در صحنه حاضر می‌کرد و گنجینه‌ای گرانباز از این رهگذر به یادگار گذاشت. حجت‌الاسلام دعایی همه اینها بود اما تمامی اینها در مقابل او واقعاً چیزی نبودند، ما مبارز و اهل فرهنگ و هنر زیادی داشته و داریم اما دعایی کیمیایی دیگر در وجود خود داشت. قرآن آنچه را برجسته می‌کند نرم خوبی و رحمت است، در واقع رمز نفوذ اسلام و پیشرفت آن خلق و خوی این دین مبین بود که دعایی به صورت احسن به آن آراسته شد، او در نهایت فروتنی همچون خورشید بر همه می‌تابید، مهر او مسلمان و غیر مسلمان نمی‌شناخت. دعایی ضمن انقلابی بودن نشان داد که می‌توان انقلابی بود و نسبت به همه بندگان خدا مهربان باشیم.

در پچه

تاج تواضع بر سر نهاد و عزیز برفت



جواد اطاعت

دانشیار دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی
دانشگاه شهید بهشتی

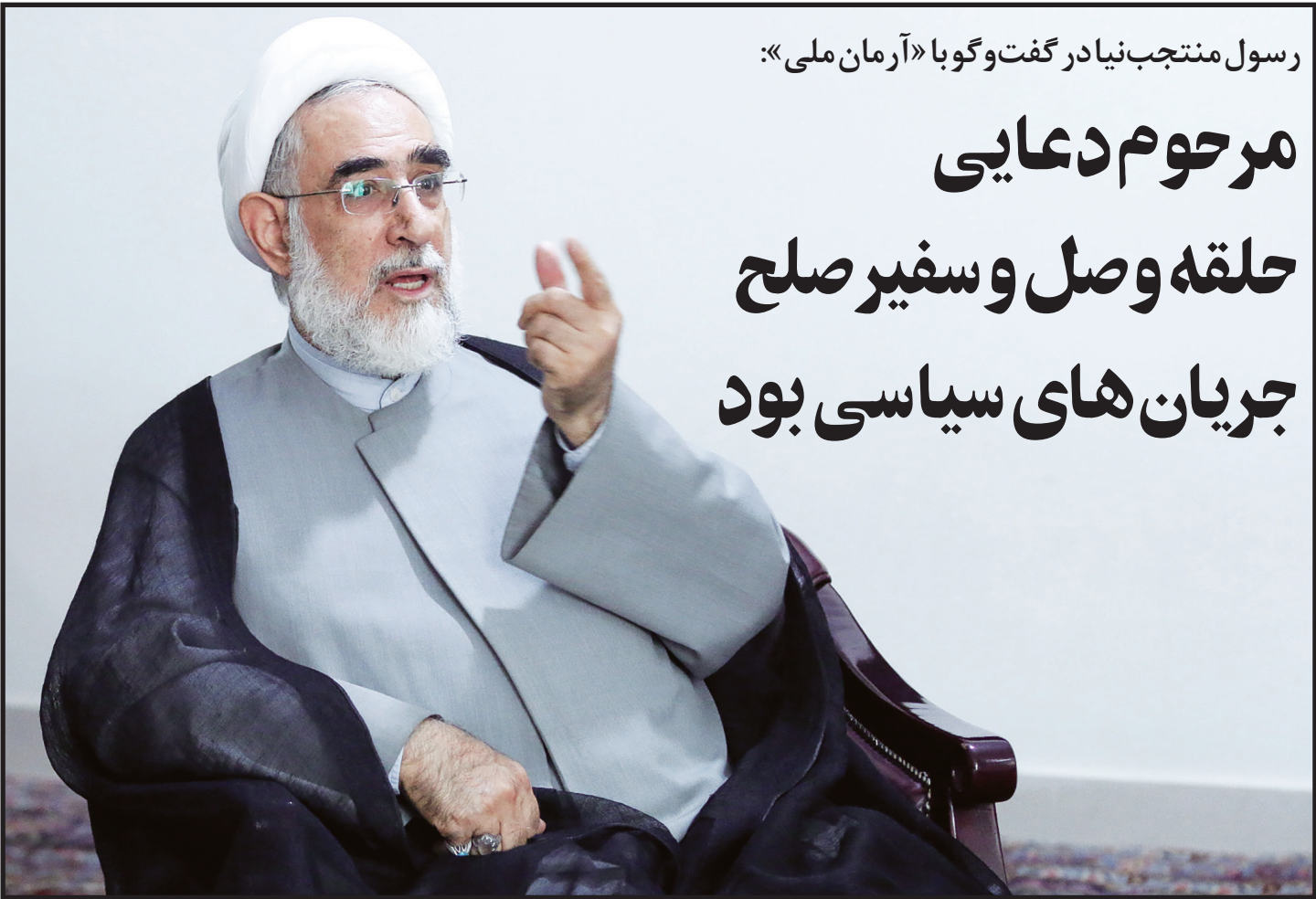
پس از در گذشت مرحوم مغفور سید محمود دعایی که نیک‌سالگی از تبار خویران و کسی که مناقب و محامد او زبانزد عام و خاص بود، بسیاری دست به قلم شده، به فراخور آشنایی که با این روحانی فرهیخته، فروتن، متواضع و اسنادوست داشتند، با به تصویر کشیدن تالف، تعطف، خضوع و خشوعی که داشت به وی ادای احترام کردند. این خامه نیز با ذاعتن به اینکه فصاحت از نگارش صباحت او عاجز است؛ تنها در مقابل کسی که به واقع با روح مهرافزای خویش، تاج تواضع بر سر نهاده بود، ادای دین می‌کند. آن فقید سعید با سینه‌ای گشاده و شرح صدری بی‌مانند تا آنجا که در توان داشت سعی می‌کرد با مدارا استیلا را از خود نرنجاند و خود را دیگری رنجی به دل نگیرد (مرنج و مرنجان)؛ بلکه فراتر از آن می‌کوشید رنج و آلام انسان‌ها را کاهش داده به یاری دیگران بشتابد. او نه تنها بار خاطر دیگران نبود؛ بلکه یار شاطر نوع انسان بما هو انسان از هر قوم و قبیله و از هر فکر و اندیشه بود. او مثل باران یا به عبارت دیگر آفتاب بود که بی‌ملاحظه بر همه کسانی که در شعاع مهر و محبت او قرار می‌گرفتند بدون چشم‌داشت می‌بارید و می‌تابید. او تجسم عینی مهرپانی بود و انسان‌ها را عزیز می‌داشت، به او همین سبب او عزیز برفت و همه کسانی که او را می‌شناختند، در اندیشه و آثارش، شکوفه اشک بر گونه‌ها فشاندند و متالم شدند. در اینجا نمی‌خواهم به توصیف خصال هین و لیل و آداب دانی این مهربان مرد بسنده کنم که در این چندروز بسی گفته آمد؛ اما نکته‌ای که باید یادآوری کنیم، موضوعی است که در این سال‌ها جامعه ایرانی به شدت بدان نیازمند بوده و هست و آن اینکه آن فقید سعید قبل از انقلاب یک مبارز انقلابی بود که به‌طور طبیعی، دارای جاذبه و دافعه بود؛ جاذبه نسبت به همفکران و انقلابیون و دافعه نسبت به نظام پیشین و کسانی که علیه آنها مبارزه می‌کرد؛ اما به درستی بعد از پیروزی انقلاب، همه جاذبه شد و به بیان یکی از بزرگان نبض او یا به انگه جاذبه می‌طپید. سوالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا این ویژگی او ناشی از تربیت خانوادگی وی بدانیم یا از فهم درست و پایبندی او به اسلام واقعی به حساب آوریم؟ به نظر می‌رسد تساهل و تسامح و تحاشی او از حواشی سیاسی، ناشی از آمیختگی دینات و معنویت، معرفت و قنوت و با بهره گیری از سمع خرد بود که از او چنین رفتاری را می‌ساخت؛ کما اینکه پیامبر مکرم اسلام(ص) پس از فتح مکه فرمان عفو عمومی صادر نموده با صدای بلند در مقابل کسی که از مقاتلت و خونریزی سخنی می‌گفت، اعلام فرمود: امروز روز رحمت و گذشت است (الْیوم یوم الرِّحْمَه). سنت امام علی (ع) که در نهج البلاغه به‌طور کلی و به‌ویژه در عهدنامه مالک اشتر، منعکس است، همین‌طور سیره آن امام همام نیز مشحون از رواداری، تواضع و فروتنی حتی با دشمنان و مخالفان لجوجی چون خوراج است. مآثر نیک آن فقید همیشه محمود، مشکور و نوع دوستی او مبرور، روح بزرگ او در سزای باقی، در شراپخانه خلد مسرور و مشی و مرامش در این جهان فانی پر رهرو باد.

رسول منتجب‌نیا در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

مرحوم دعایی

حلقه وصل و سفیر صلح

جریان‌های سیاسی بود



آرمان ملی – حمید شجاعی: عصر روز ۱۵ خرداد بود که خبری همه اصحاب رسانه و جریانات و چهره‌های سیاسی را متاثر و متحیر کرد. خبری که تا ساعت‌ها و روزها برای هیچ‌کس باور پذیر نبود. خبر درگذشت حجت‌الاسلام سیدمحمود دعایی، سفیر اسبق ایران در عراق؛ نماینده دوره‌از مجلس شورای اسلامی، عضو ثابت مجمع روحانیون مبارز از آغاز تا زمان حیات و در نهایت نماینده امام(ره) و مقام معظم رهبری در موسسه اطلاعات. هنوز هم بسیاری در گذشت حجت‌الاسلام دعایی را باور ندارند سیاستمداری که هیچ‌کس وی را عبوس و عصبانی نمی‌دید و از سیاستمداران تا اندیشمندان، جریانی‌های سیاسی، روشنفکران، اصحاب رسانه و هنرمندان به او علاقه قلبی داشتند. شاید اگر وی را سیاستمدار معتدل و آزاداندیش متفکر بخوانیم سخنی به گزافه نرفته باشد. دعایی همواره چهره‌ای میانه‌رو بود و به هیچ عنوان نگاه‌های دگم و متصلب را بر نمی‌تابید و تلاش داشت همه جریان‌های سیاسی را به هم نزدیک کند و اجماع ملی بیافریند. دقیقاً مثل سیاستمدار محبوبش مرحوم آیت‌... هاشمی که او نیز در همین راستا قدم بر می‌داشت. اما دست تقدیر چنین رقم زد که دعایی نیز از میان دوستداران پر کشیده و به یاران سفر کرده بپیوندد و حال این ما اصحاب رسانه هستیم که باید راه، منش، روش و رویکردهای مرحوم دعایی را در جهت اعتدال گرای، میانه‌روی و حق‌گویی و آزاداندیشی بسط و گسترش دهیم. در همین راستا برای بررسی ابعاد شخصیتی، اعتقادی و رویکردی مرحوم دعایی، نوع نگرش‌ها و نظرات آن مرحوم به جامعه و مسائل سیاسی و به بهانه چهلمین روز درگذشت مدیر موسسه اطلاعات، «آرمان ملی» با حجت‌الاسلام رسول منتجب‌نیا، دبیر کل حزب جمهوری‌ت ایران اسلامی و فعال سیاسی اصلاح‌طلب به گفت‌وگو پرداخته است که می‌خوانید.

◀ در ایام چهلمین روز درگذشت مرحوم حجت‌الاسلام دعایی قرار داریم؛ اساساً به جهت شناختی که از آن مرحوم دارید شخصیت و نگرش‌های آقای دعایی را چگونه تحلیل می‌کنید؟

نسبت به مرحوم آقای دعایی من در ایام رحلت وی بیانیه مفصلی دادم و خیلی از مطالب را در آنجا ذکر کردم ولی به نحو اجمال عرض می‌کنم که شناخت من از آقای دعایی از قبل انقلاب و از زمانی است که مرحوم دعایی در نجف مشرف بود و در آنجا به عنوان یکی از یاران نزدیک حضرت امام(ره) فعالیت می‌کرد و اتفاقاً از ابزار رادیوی عراق نیز برای ابلاغ پیام‌های حضرت امام(ره) و آگاهی بخشی مردم استفاده می‌کرد. همان زمان نیز ما به ایشان علاقه مند بودیم و از حضورشان استفاده می‌کردیم. بعد از پیروزی انقلاب هم از مجلس اول تا سوم که من حضور داشتم از نزدیک با خلیقات و شخصیت آقای دعایی کاملاً آشنا بودم. در دوره اول مجلس با مرحوم دعایی و جمع دیگری از نمایندگان یک سفر بین‌المجالس به رم ایتالیا داشتم که آقای دعایی چهره دیپلمات و شاخصی در جمع ما بود. پس از پایان بین‌المجالس ایام حج بود که ترجیح دادیم به جده برگردیم و در مراسم حج شرکت کنیم و اولین ججی که من به جا آوردم در آن سال بود. به هر حال در این سفر سیاسی و معنوی نیز در کنار آقای دعایی بودیم و ۴ دوره در مجلس بسیار دوست و رفیق بودیم و پس از آن نیز در مقاطع مختلف از جمله مجمع روحانیون مبارز سال‌ها با هم همکاری داشتم و بعد هم ایشان را از آغاز فعالیت مطبوعاتی را به عهده گرفته بود و من هم که کم و بیش مطبوعاتی هستم و هماهنگی و همکاری‌هایی با آقای دعایی داشتم. با این مسائلی که عرض کرد

می‌خواهم بگویم که مرحوم آقای دعایی شخصیت ویژه و ممتازی بود. اولاً یک انسان اخلاقی و دوست‌داشتنی بود و فکر نمی‌کنم که زمانی آقای دعایی را عبوس و عصبانی دیده باشم. هر وقت ما با یکدیگر برخورد می‌کردیم در جلسات یا در مجلس آدم شاد و بانشاطی بود و موجب می‌شد که انسان شاد شود و به کسانی که با وی برخورد می‌کنند انرژی مثبت دهد. در عین حال مرحوم دعایی شخصیتی کاملاً مقید به اندیشه‌های دینی و انقلابی بود. فردی متدین، متشروع و مقید به اخلاقیات چه در زمان حضرت امام(ره)، پس از ایشان و چه در مجلس و در رابطه با مسائل و موضع‌گیری‌های سیاسی یک آدم معتدل و به اصطلاح بازی بود و در اندیشه انسداد فکری و تاجر نداشت و بسته فکر نمی‌کرد. زود افراد را به دلیل یک تفاوت گرایشی کنار نمی‌زد و با آنها خصومت نداشت. لذا می‌توانست با جناح‌های مختلف ارتباط داشته باشد و رفاقت کند. ولی در عین حال چه در اصل انقلاب و حضورش در نجف اشرف خدمت حضرت امام(ره) در فرانسه، در ایران و در صحنه‌های مختلف پای مواضعش محکم می‌ایستاد و موضع‌گیری‌هایش مشخص بود. دعایی یک نیروی معتقد به امام، انقلاب و در عین حال معتقد به مردم، جمهوریت و اسلامیت بود و در نهایت آنچه امام(ره) می‌فرمود.

◀ ارزیابی شما از نوع رویکردها، نظریات و عملکردهای مرحوم دعایی چگونه است؟
مرحوم دعایی به آنچه حضرت امام(ره) می‌فرمود مقید بود، باور داشت و پایبند بود. به هیچ وجه تندروی‌ها و کندروی‌های مشهود را

در وجود او نمی‌دیدیم و همیشه معتدل بود. لذا ضمن اینکه موضع‌گیری سیاسی کاملاً مشخصی داشت به نحوی نبود که با جناح مقابل دشمنی کند یا آنها را دشمن و رقیب شدید خود ببیند که قابل رفاقت نباشند. ملاحظه می‌شد که ایشان با اینکه تقریباً در این سال‌ها نماینده امام(ره) و مقام معظم رهبری در موسسه اطلاعات بود و سمت حساسی را داشت موضع‌گیری‌های روشنفکرانه داشت و به هیچ وجه نگاه‌های ارتجاعی در نگاه و اندیشه او مشاهده نمی‌شد. تندروی و ساختارشکنی نیز نمی‌کرد و حرکت‌های تندروانه و خشن در گفتار و نوشتار او نبود. لذا می‌دیدیم که به مرحوم آیت‌... هاشمی فوق‌العاده علاقه مند بود و در مراسماتی که ایشان حضور داشت شرکت داشت و به آقای هاشمی اظهار ارادت می‌کرد. در زمان اصلاحات

به آقای خاتمی فوق‌العاده علاقه‌مند بود و همکاری می‌کرد. تا آخرین سال هم نمی‌که من به یاد دارم در مراسم‌هایی که لازم بود شرکت می‌کرد و جالب این است که اگر نگوییم همه ساله ما اغلب سال‌ها برای آقای خاتمی سالگرد تولد می‌گرفت. مرحوم دعایی با روشنفکران بسیار نزدیک بود، نویسندگان، هنرمندان و مطبوعاتی‌ها بسیار به وی علاقه مند بودند و آقای دعایی نیز به آنها علاقه‌مند بود و احترام می‌کرد. علی‌یحال مرحوم دعایی به آنجا رسیده بود که می‌شود انسان پایبند به اصول و میانی باشد و موضع‌گیری و جهت‌گیری خاصی نداشته باشد

مرحوم دعایی به آنچه حضرت امام(ره) می‌فرمود مقید بود، باور داشت و پایبند بود. به هیچ وجه تندروی‌ها و کندروی‌های مشهود را در وجود او نمی‌دیدیم و همیشه معتدل بود

خیلی از مشکلات را حل و گره‌ها را باز می‌کرد. حال مرحوم آقای هاشمی در حد و اندازه‌های خود و همچنین مرحوم دعایی نیز در جایگاه خود به این مهم مبادرت می‌ورزیدند. لذا

از به خود افراد بازمی‌گردد که چگونه در جامعه زندگی کنند و به مجرد اینکه اختلاف سلیقه پیدا کردند در مقابل دیگران صفت‌بندی نکرده و دیگران را در مقابل خود فرض نکنند.

◀ از دیدگاه شما امروز چه میزان جامعه اصحاب رسانه و جریانات سیاسی نیازمند بسط و گسترش تفکر و رویکردهای مرحوم حجت‌الاسلام دعایی هستند؟

این موضوع مهمی است که باید بدان همت گمارد اما باید از خود چهره‌های موثر در جامعه این سؤال را شروع کرد. متأسفانه این صف بندی‌ها و مرزبندی‌ها هر روز بیشتر می‌شود و موجب می‌گردد افراد به جای اینکه با هم باشند و به وحدت فکر کنند بیشتر به افتراق بیندیشند و صف خود را جدا کنند. تصور می‌کنند اگر هر گروهی یک صفی برای خود تعیین کند از روشش بالا می‌رود. در حالی که اینگونه نیست و یک جامعه نیاز به افکار و اندیشه‌های متفاوت دارد و این اندیشه‌های متفاوت می‌توانند جامعه را به پیش ببرند و با تضارب افکار، تبادل نظر و اختلاف سلیقه می‌توان به نتیجه رسید. اگر این پویایی و حرکت و تضارب اندیشه‌ها رواج پیدا کند این جامعه مترقی خواهد بود. باید شخصیت‌ها نویسندگان، گویندگان، نمایندگان مجلس و وزرا این سعه صدر را داشته باشند. چنانکه در اسلام نیز سعه صدر خیلی تأکید شده است. متأسفانه تنگ‌نظری‌ها و دگم‌اندیشی‌ها باعث می‌شود که جدایی بیشتر شود. مرحوم دعایی چنین ویژگی نداشت و به‌شدت مخالف این اندیشه دگم و کوته نظری بود.

یادداشت

۴۰ روز گذشت

مهدی حاضری



معاون آموزشی موسسه

تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)

۴۰ روز از رفتن یار وفادار امام(ره) می‌گذرد؛ حجت‌الاسلام والمسلمین حاج سید محمود دعایی دیگر در میان ما نیست. با توجه به مطالبی که این چند روزه در خصوص کمالات و سجایای نیکوی سید محمود گفته و نوشته شده است می‌توان گفت: والدینش چه نام نیکویی بر سیدمحمود نهاده‌اند، این نام واقعا برزنده و شایسته او بوده است. او واقعا سیدی، محمود بود. از طرف دیگر، او برای کسب این همه محامد و سجایای نیکو اعم از اخلاقی، مبارزاتی، اخلاقی، خدمتی، ساده زیستی و پاکدستی، وفا و صمیمیت، عشق و ایثار و.... قطعاً، دعای خیر مادر را ذخیره داشت. مادری که در نهایت عسرت و تنگدستی و بی‌سرپرستی، با عزت و احترام این فرزند را بزرگ کرد و او هنگام پیری و ناتوانی مادر، پاسخ زحمات مادر را داد و در زمانی که نگهداری و پرستاری از او، مشکلات زیادی را برای فعالیت‌های سیاسی و مبارزاتی اش فراهم می‌کرد، او را به نجف برد و با جان و دل، از او نگهداری و پرستاری کرد و هنگام وفاتش حضرت امام پر پیکر او نماز گزارده و و برایش مجلس ترحیم برگزار کردند. بنابراین می‌توان به ضرس قاطع گفت: او هم محمود نزد خلق خدا بود و هم دعا کرده مادر و حضرت امام و انبوه کسانی که گریه از کارشان می‌گشود. در مورد خدمات و خصال نیکوی سیدمحموددعایی مطالب بسیار زیادی منتشر شده که عموماً گویای زحمات او در مقطع بعد از پیروزی انقلاب اسلامی است و کمتر به خدمات او در دوران غربت و تنهایی امام و یارانش در مواجهه با رژیم شاه ایران و حاکمان بعث عراق، پرداخته شده است. در حالی که سیدمحمود

در آن مقطع، علی‌رغم جوانی و تازه‌واردی به حوزه علمیه قم، مبارزات شایان توجهی داشته است.

◀ یار صدیق امام(ره) بود

اولین دیدارش با حضرت امام همان شب آزادی ایشان از زندان است که چند روز پس از ورودش به قم اتفاق می‌افتد. وی در خاطراتش می‌گوید: مدت کوتاهی از وقایع ۱۵ خرداد ۲۲ و دستگیری امام گذشته بود. من به مدرسه آیت‌... برورجی وارد شدم یک شب که ظرفی را برداشته بودم تا از رستوران‌های اطراف حرم جمعی از دوستان که در مدرسه با هم بودیم، غذا تهیه کنم، شنیدم یک نفر موتورسوار در حال حرکت فریاد می‌زد: آقا! شد و بدین ترتیب همه مردم قم را خبر می‌کرد، ساعت حوالی ۱۰ شب بود، من قایلمه به دست به طرف منزل امام دویدم و برای اولین بار سیمای مبارک حضرت امام را زیارت کردم. من امام را در برخورد اول خیلی زیباتر و بهتر دیدم و دستشان را به گرمی بوسیدم... بدون هیچ گونه مبالغه، امام برای من به عنوان ارجمندترین و مقدس‌ترین عنصر مذهبی که انسان با آن برخورد می‌کند، مطرح بود. همان گونه که انسان وقتی به زیارت می‌رود، حال و هوای مخصوصی دارد، من نیز در روزهای ابتدای ملاقات با امام وی را در هاله‌ای از اشک می‌دیدم. یعنی بغض و اشک اجازه نمی‌داد ایشان را درست ببینم و درست ابراز علاقه کنم. یکپاره شور و شوق بودم. امام هم ضمن درک احساسات من، با تقدش‌شان مرا آرام می‌کردند و با محبت احساسات مرا پاسخ می‌دادند. البته من فقط ساعتی در کنار ایشان بودم و بقیه ایام را در همان اطراف بودم و به هر جا که مسیر ایشان بود می‌رفتم، هر جا که جلسه سخنرانی ایشان بود شرکت می‌کردم. (گوشه‌ای از خاطرات سید محمود دعایی، ص- ۵۴- ۵۹) همین روزها بود که به دعایی آیت‌... هاشمی رفسنجانی و پدید آورندگان نشریه بعثت شده و مسئولیت چاپ و تکثیر و ارسال این مجله را در دست می‌گیرد و با امکاناتی که مخفیانه به‌دست می‌آورد در چاپ و نشر اعلامیه‌های حضرت امام در دوران تبعید ایشان نقش آفرینی می‌کند. این فعالیت‌ها موجب می‌شود توسط سلاوک شناسایی و تحت تعقیب قرار گیرد و به توصیه یاران و مساعدت شاگردان مبارز امام از کشور قرار کند. دعایی در ایام حضور در نجف چندین دفعه به صورت ناشناس از طریق مرز کشورهای پاکستان و افغانستان وارد ایران شده و مبادرت به انتقال مبارزین تحت تعقیب به خارج از کشور می‌کند. او همچنین در تشییع جنازه مرحوم دکتر علی شریعتی در دمشق شرکت کرده و در اعصاب غذای مبارزین ایرانی در کلیسای «سنت مری» پاریس نیز شرکت می‌کند. او شخص امین و مورد اعتماد حضرت امام بوده و نقش رابط ایشان با دولت عراق را برعهده داشت. زمانی که حضرت امام تصمیم به مهاجرت از عراق گرفته، وی با استفاده از روابط دوستانه با مقامات امنیتی عراق، مقدمات این امر را به گونه‌ای فراهم می‌کند که نه دولت عراق از تصمیم امام آگاهی می‌یابد و نه دولت کویت متوجه هویت اصلی حضرت امام می‌شود. وی در خاطرات خود می‌گوید: با ممانعت دولت کویت از ورود ایشان، حضرت امام تصمیم به هجرت به پاریس گرفته و برای حرکت به این کشور از بصره عازم فرودگاه بغداد شدند. وی می‌گوید: در فرودگاه منظر آمدن امام شدم. پس از آنکه تشریف‌فرما شدند، خدمتشان رفتم و با مقامات را بوسیدم. خدمات خالصانه و بی‌شائبه دعایی همواره مد نظر امام بوده و ایشان در اواخر زمان حضور در نوفل لوشاتو، هنگامی که قصد بازگشت به ایران را داشتند، دستور می‌دهند سید محمود دعایی را فراز سز آمده و در پرواز تاریخی به سوی ایران، همسفر ایشان باشد. او تا پایان عمر شریفش دست از امام برداشته و همواره با یاد و نام امام زندگی می‌کرد و نمونه‌ای وارسته و الگو از تربیت بافکاران مکتب خمینی برای نسل حاضر که توفیق درگام محضر امام خمینی را نداشتند به شمار می‌آمد.